

تابستان داغ؛ تروریسم التقاط علیه یاران خمینی

تحلیل و بازخوانی گزارش‌های مستند از وقایع ۶ و ۷ تیر ۱۳۶۰؛ ترور نافرجام آیت‌ا... خامنه‌ای توسط گروهک فرقان و شهادت مظلومانه آیت‌ا... بهشتی توسط منافقین

جواد نوابیان، رودسی—زنده‌یاد دکتر محمد معین، در «فرهنگ معین»، واژه «التقاط» را، «مضمون و مطلبی که از جای دیگری گرفته شده» معنا کرده‌است. دیگر فرهنگ‌نویسان، مانند مرحوم حسن عمید نیز، کم و بیش در آثار خود چنین معنایی از التقاط ارائه می‌کنند. با این حال در مطالعات سیاسی و اعتقادی، التقاط گرفتن بخشی از یک تفکر یا مکتب و ضمیمه کردن آن به مکتب دیگر معنا می‌شود. مقدمات جریان التقاط در فضای سیاسی و ریشه‌های تاریخی وقایع رنسانس در اروپا و مطابق باصل تعارض علم‌ودین شکل گرفته‌بود، اسلام به عنوان دین قاطبه مردم ایران، بدون آن که مبانی و ساختارهای اعتقادی آن شناخته شود، در ردیف مسیحیت قرار می‌گرفت و لاجرم، در تفکر منورالفرکان، دستورهای آن سختیتی با علم و عقل نداشت. بدیهی بود که چنین تفکری، خواه برخاسته از نگاه لیبرالیستی باشد یا وام گرفته شده از تفکرات مارکسیستی، نمی‌توانست در جامعه ایران، با توجه به نهادهای شدن ساختار آموزه‌های مذهبی و قدرت پاسخگویی حوزه‌های علوم دینی، راه به جایی بیرد. چنین شد که جریان‌های التقاطی، برای ایجاد پیوند میان آموزه‌های دینی و باورهای وام گرفته شده از تفکرات مادی گرایانه شکل گرفت و به ویژه در میان نخستین افراد مقتیده فرایض دینی که سر از دانشگاه و فضا‌های روشنفکری درآوردند، به چشم آمد.

■ **نخستین رگه‌های التقاط**
نمونه بارز چنین رویکردی را می‌توان در فعالیت‌های مرحوم مهندس مهدی بازرگان و کتاب «راه طی شده» او دید. وی و همفکرانش برای تقابل با تفکرات وارداتی که به شدت جوانان تحصیل کرده را تحت تأثیر قرار داد، به تفاسیر مادی گرایانه از دین رو آوردند. مرحوم بازرگان، حتی از قیامت و بهشت و جهنم نیز، تفسیری مادی ارائه می‌کرد و در برای اثبات واقعه «عام الفیل» و سرکوب سپاه ابرهه نیز، به دنبال توجیه‌هایی از این قبیل می‌گشت. برخی از متفکران معاصر، مانند دکتر علی شریعتی، این اقدام را بارویکردهای اسکولاستیکی دوره رنسانس در غرب، مقایسه می‌کردند. این رویکرد هر چند در ابتدای کار، مثبت ارزیابی می‌شد؛ اما به تدریج ضعف‌های بارز آن به چشم آمد و مشخص شد که جفت کردن اندیشه که مبانی و منشأ کاملاً متضاد دارند، می‌تواند نتایج بسیار مخربی را به بار آورد که گاه قابل جبران نیست.

■ **منافقین و شیرجه‌زدن در التقاط**
شکل گرفتن جریان منافقین، در اواخر دهه ۱۳۴۰، بر بستر همین رویکرد میسر شد. جوانانی مانند حنیف‌نژاد که از احزاب سیاسی فعال مانند جبهه ملی، سرخورده شده بودند و از سوی دیگر، با تفکرات مارکسیستی که در میان برخی از روشنفکران، به عنوان «علم مبارزه» شناخته می‌شد، آشنایی داشتند، با تمسک به آثاری مانند «راه طی شده» مهندس بازرگان، به دنبال تلفیق عناصر مبارزاتی مارکسیسم با آموزه‌های اسلامی، برای خلق نسخه‌ای جدید از اندیشه به اصطلاح دینی افتادند که گمان می‌کردند نسخه‌ای مؤثر برای مبارزه با استبداد و استعمار در ایران است. اما نکته



اساسی این بود که آن‌ها، بدون این که اطلاعاتی از اسلام و آموزه‌های اسلامی و ظرفیت غنی آن برای مدیریت مبارزه داشته باشند، صرفاً برای داشتن برچسب اسلامیت و اقناع جامعه‌ای که باید در برابرش پاسخگو می‌بودند، به این تلفیق کاملاً التقاطی رو آوردند و پیدا بود که بعد از مدتی، به دلیل شیفتگی به جریان چپ و تفکرات مارکسیستی، به سمت آن خواهند غلتید. درک این وادادگی در آینده‌ای نزدیک، آن قدر ساده بود که حتی فعالان سیاسی کاملاً چپگرا نیز، آن را فهمیده بودند و به روی اعضای سازمان منافقین می‌آوردند. مسعود احمدزاده، از اعضای گروهک چریک‌های فدایی خلق که تفکرات و رویکردهای کاملاً مارکسیستی داشت، به مهدی ابریشمچی، یکی از اعضای سازمان منافقین، در زندان گفته بود: «شما یک پوسته ایده‌آلیستی (تعبیر مارکسیست‌ها

پایبندی به آموزه‌های مذهبی بودند؛ اما خیلی زود و هنگامی که مردم حاضر نشدند این ادعای مزورانه را بپذیرند، دوباره چهره اصلی خود را رو کردند و این بار، به ترورهای گسترده و جنگ با ملت رو آوردند. طولی نکشید که در التقاط منافقانه آن‌ها، بدیهی‌ترین احکام فقهی نیز، قابلیت تغییر و تبدیل پیدا کرد و از آغاز تابستان داغ سال ۱۳۶۰، سازمان منافقین، به تدریج از یک سازمان مبتنی بر تشکیلات، به فرقه‌ای ماسونی و مافیایی تبدیل شد که مسعود رجوی آن را تحت یک دیکتاتوری نفس‌گیر استالینی اداره می‌کرد.

■ **فرقان و ساختارهای التقاطی‌اش**
تاریخ جریان التقاطی فرقان نیز، از نظر شاخص‌های شکل‌گیری، سابقه‌ای بسیار شبیه به جریان التقاطی منافقین داشت. اکبر گودرزی، بنیان‌گذار این فرقه، بعد از شکست در فعالیت‌های طلبگی و تحت تأثیر تفکرات مارکسیستی، به التقاط رو آورد. او شروع به ارائه تفسیرهایی از قرآن کرد که هیچ ارتباطی با منابع روایی و حدیثی نداشت. به دیگر سخن، گودرزی تفسیری مطابق میل خود از قرآن ارائه می‌کرد. با این حال، فرقان یک تفاوت اساسی با سازمان منافقین داشت: سازمان، دست کم در سال‌های اولیه فعالیت، به کار تشکیلاتی روی خوش نشان می‌داد و مدعی بود که رأی، رأی شورای مرکزی است؛ اما فرقانی‌ها از همان ابتدا دور گودرزی را گرفتند و او، حرف آخر را در این گروهک می‌زد. گودرزی بود که با تفسیرهایش از قرآن و متون دینی، حتی دیدگاه‌های افرادی مانند دکتر شریعتی را هم مصادره به مطلوب می‌کرد. رویکرد التقاطی فرقانی‌ها، حتی نظر ساواک را هم به خود جلب کرده بود؛ مأموران این



ترور «مظلومیت» در چهارراه سرچشمه

کادرهای اطلاعاتی و مهدی افتخاری (مسئول بخش اطلاعات و معروف به فرمانده فتح...)

■ **برنامهریزی ترور در خانه تیمی عباس‌آباد**
شب ۷ تیر ۱۳۶۰، در خانه تیمی عباس‌آباد، کادرهای اطلاعاتی سازمان منافقین، عملیات تروریستی انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی را طراحی کردند. اصفهانیا می‌گوید: «این عملیات... توسط کادرهای بخش اطلاعات طراحی شد، ولی توسط مرکزیت سازمان و به طور مشخص مسعود رجوی، موسی خیابانی و علی زرکش به تصویب نهایی رسید.» چاشنی بمب، قبل از تحویل دادن به کلاهی، توسط موسی خیابانی چک شد. اصفهانیان در این باره توضیح می‌دهد: «چاشنی‌ها را شخص موسی خیابانی در پایگاه مخفی و در وان حمام، طوری که جلوی صدای آن گرفته شود، تست می‌کرد تا مطمئن شود که با گذشت نزدیک به دو سال از انقلاب، فاسد نشده باشند؛ چون اصل انفجار با چاشنی‌هایش بود، مواد منفجره به راحتی فاسد نمی‌شد، چاشنی‌ها بودند که می‌توانستند اشکالاتی ایجاد کنند. به همین دلیل موسی خیابانی شخصاً این چاشنی‌ها را کنترل می‌کرد.» کلاهی دو بمب از سازمان تحویل گرفت: یکی برای زیرتربون و دیگری برای کنار ستون اصلی سالن. صبح روز ۷ تیرماه، او تقریباً در سالن برگزار می‌جلسه تنها بود و توانست با استفاده از فرصتی که در اختیار دارد، بمب‌ها را جاسازی کند.

■ **اجرای نقشه ترور**
اندکی به ساعت ۹ شب مانده بود. جلسه هفتگی حزب جمهوری اسلامی، مطابق برنامه، آغاز شد. طبق دستور جلسه، قرار بود درباره موضوع مهار تروم صحبت‌هایی شود. وزیربازرگانی هم آمده بود تا درباره مهار تروم مباحثی ارائه کند. حجت‌الاسلام «باغانی» از نجات‌یافتگان حادثه ۷ تیر، می‌گوید: «وزیربازرگانی وقت پشت تربون رفت تا موضوع تروم مطرح کند و بحث پیگیری می‌شود، ولی یکی از اعضا، با اشاره به عزل



ناکامی جریان التقاط در مسجد ابوذر

■ **ضبط صوتی روی تربیون**
روز موعود فرا رسید. صحن و شبستان مسجد و خیابان‌های اطراف آن مملو از جمعیت بود. حوالی ظهر بود که آیت‌ا... خامنه‌ای به مسجد آمدند. حجت‌الاسلام «مطلبی» می‌گوید: «یک ساعت به ظهر مانده بود که ایشان به مسجد آمدند و از رویه‌روی مسجد، که به خیابان اصلی بازمی‌شود، وارد مسجد شدند و در همان گوشه‌روودی مسجد نشستند. هفت، هشت نفر از دوستان انقلابی ایشان هم‌برای شنیدن سخنرانی به مسجد آمدند. این افراد، به همراه آیت‌ا... خامنه‌ای، حدود سه ربع، در گوشه‌ای از مسجد دور هم نشسته بودند و با هم صحبت می‌کردند.» با برخاستن صدای آذان از بلندگوی مسجد، آیت‌ا... خامنه‌ای برای اقامه نماز آمدند و سخنرانی کردند. وقتی نماز ظهر به دو نماز عصر انجام شود. وقتی نماز ظهر به پایان رسید، آیت‌ا... خامنه‌ای، با همان آرامش و تسلط همیشگی، پشت تربیون قرار گرفتند و سخنرانی خود را آغاز کردند. حاضران ساکت بودند و به سخنان ایشان گوش می‌دادند. هنوز دقایقی از آغاز سخنرانی نگذشته بود که جوانی قدبلند با موهای فر فرقی، جمعیت را به آرامی شکافت، به تربیون نزدیک شد و ضبط صوتی را روی میز قرار داد. امیر مسعود تقی‌زاده، عضو گروهک رهروان فرقان، بعد از گذاشتن ضبط صوت روی میز، در نزدیک‌ترین نقطه به آیت‌ا... خامنه‌ای، دکمه ضبط‌صدا را فشار داد و خیلی آرام به سمت در ورودی مسجد رفت. ظاهر تقی‌زاده آرام به نظر می‌رسید، اما نگران انفجار زود هنگام بمب جاسازی شده داخل ضبط صوت بود. او در اعتراض می‌گوید: «من روز قبل برای شناسایی مسجد و فرمایش با ضبط به محل رفتم. قبلاً مهدی (اسم مستعار محمد متحدی) آن را با چراغ‌مهدی کرده بود، خوب عمل می‌کرد ولی روز برنامه، صبح که من چند دقیقه آزمایش کردم، متوجه شدم که زیاد هم قابل اعتماد نیست و با کمی تکان از حالت معمولش بیرون می‌آید. به‌هر حال، من ظهر به مسجد رفتم و دیدم که یک نماز به امامت [آیت‌ا... خامنه‌ای خوانده‌اند... وقتی وی برای سخنرانی، پشت میز بزرگی که قرار

هر چند که اعضای اصلی گروهک فرقان، در دی‌ماه سال ۱۳۵۸ و طی یک عملیات دقیق اطلاعاتی بازداشت شدند و سرکردگان این گروهک، در خردادماه سال ۱۳۵۹، به سزای اعمال خود رسیدند، اما بقایای فرقانی‌ها که توانسته بودند از ماجرای بازداشت بگریزند و زندگی مخفیانه‌ای را در پیش بگیرند، هنوز فعال بودند. تعدادی از این افراد که توسط محمد متحدی سازمان دهی شده و نام خود را «هروان فرقان» گذاشته بودند، قصد داشتند با انجام یک ترور جدید در تابستان ۱۳۶۰، اعلام موجودیت دوباره کنند. نخستین شخصیتی که نقشه ترور او توسط گروهک رهروان فرقان طراحی شد، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای بود.

■ **مسجد ابوذر؛ یک هفته قبل از ترور**
با گرم شدن بازار شایعات و تخریب و چهره شخصیت‌های انقلابی، توسط جریان‌های معاند، لزوم بیان حقایق و پاسخ به شهادت مردم احساس می‌شد. به همین دلیل، آیت‌ا... خامنه‌ای، نماینده وقت مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، جمعیت این شهر و از اعضای برجسته حزب جمهوری اسلامی، تصمیم گرفتند دیداری مردمی، در یکی از مساجد تهران، برگزار کنند. گزینه نخست برای محل برگزاری این ملاقات عمومی، مسجد «ابوالفتح» واقع در خیابان «ری» بود؛ اما به دلایلی محل سخنرانی تغییر کرد و مسجد «ابوذر» به عنوان محل برگزاری مراسم انتخاب شد. این مسجد، از مساجد فعال جنوب شهر تهران بود. حجت‌الاسلام رضا مطلبی، امام جماعت مسجد ابوذر، در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر، درباره چگونگی برگزاری این مراسم در مسجد ابوذر می‌گوید: «روز شنبه، روزی بود که قرار شد مقام معظم رهبری به مسجد ابوذر بقیانند. قبل از آن، روزنامه‌جمهوری [اسلامی] خبر این حضور را چاپ کرده بود. خودمان هم در سطح منطقه تبلیغات کرده بودیم.» اما تلاقی این زمان، با روز استیضاح بنی‌صدر در مجلس، باعث شد که جلسه آیت‌ا... خامنه‌ای در مسجد ابوذر، یک هفته عقب‌بافتد و به ششم‌تیرماه موکول شود.

داشت رفت، بعد از یکی دو دقیقه، ضبط را به کار انداخته و جلوی وی گذاشتم. می‌ترسیدم قبل از رسیدن نوار به آخر بمب عمل کند. به همین دلیل هر چه سریع‌تر به گوشه‌ای رفتم و جوراب‌هایم را پوشیدم و از آن جا خارج شدم. لحظاتی بعد از قرار گرفتن ضبط صوت روی تربیون، بلندگو شروع به صوت کشیدن کرد. همین مسئله باعث شد آیت‌ا... خامنه‌ای از مسئول مربوطه بخواهند تا بلندگورا به سمت کند و میدان‌های... که از تربیون فالس گرفته رفتند. آیت‌ا... خامنه‌ای، پس از چند ثانیه تأمل، به سخنرانی ادامه دادند: «در زمان امیرالمؤمنین (ع)، زن در همه جوامع بشری - نه فقط در میان عرب‌ها - مظلوم بود. نه می‌گذاشتند درس بخواند، نه می‌گذاشتند در اجتماع وارد بشود و مسائل سیاسی تبحر پیدا بکنند، نه ممکن بود در میدان‌های... که در این لحظه، ناگهان صدای انفجار همه را شوکه کرد. آیت‌ا... خامنه‌ای به طرف چپ تربیون افتادند. تنها محافظ‌همراه، سعی کرد ایشان را از مسجد بیرون ببرد. صدای انفجار باعث شد مردم اطراف، شتابان به سمت مسجد ابوذر بیایند. مقابل مسجد محشری برپا بود. در آن گیر و دار، چشم امام جماعت به ضبط صوتی افتاد که مانند کتابی از وسط‌یاز شده و روی جداره داخلی آن، با مازیک قرمز، نوشته شده بود: «عیدی گروه فرقان به جمهوری اسلامی». باز حمت فراوان آیت‌ا... خامنه‌ای را از مسجد بیرون آوردند و در یک خودروی «بلیزر» گذاشتند. شرایط اصلاً مناسب نبود. راننده با شتاب خودرو را می‌راند. به خیابان قزوین که رسیدند، مقابل در مانگاه کوچکی متوقف شدند. مادر آن در مانگاه امکان رسیدگی به وضعیت وخیم آیت‌ا... خامنه‌ای وجود نداشت. به همین دلیل یکی از پرستاران، کیسول اکسیژنی برداشت و همراه با مصدوم به سمت بیمارستان «بهار لوه» حرکت کردند. دکتر محجوبی و همکارانش در بیمارستان بهار لوه، عمل جراحی سخت‌وسنگینی انجام دادند. شاید در آن لحظات برخی فکر می‌کردند که آیت‌ا... خامنه‌ای به شهادت خواهند رسید، اما مشیت الهی به گونه‌ای دیگر رقم خورد.